



معناشناسی ماهیت نگاره‌های معماری سنتی و تأثیر هویتی آن در جهانی‌شدن شهر یزد (مورد مطالعاتی: خانه ملک‌زاده)

مریم توفیق ^{ID} ۱، جلال فروزان فر ^{ID} ۲*

^۱ دانشجوی دکتری گروه معماری، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران. architect.tofigh@gmail.com
^۲ (نویسنده مسئول) دکتری تخصصی، استادیار گروه معماری، واحد ابرکوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ابرکوه، ایران. jalalforouzanfar2034@gmail.com

چکیده

بافت‌های تاریخی شهرهای ایرانی - اسلامی با ارزش کالبدی و فرهنگی نهفته در خود، از هویت شهری بالایی برخوردار هستند. شهر یزد از جمله شهرهای است که از بافت تاریخی و معماری منحصربه‌فردی برخوردار است. بازشناسی نگاره‌های موجود در معماری آن می‌تواند بخشی از این هویت تاریخی را معرفی کند. پژوهش حاضر از نوع تحقیقات کیفی و توصیفی است و در آن از مطالعات اسنادی بهره گرفته شده است. با روشی پیمایشی تلاش شده است تا با استناد به دو رویکرد "دید مکانی" (هستی‌شناسی) و "معنای مکان" (پدیدارشناسی) محیط زیسته را در جهانی‌شدن شهر یزد و نمونه مورد مطالعه پژوهش، خانه ملک‌زاده مورد کنکاش قرار داده و هر بخش را با عناصر هویت‌سازی که معماری به فرد منتقل می‌کند، تبیین و ارزیابی کند. در حقیقت، محقق از میان نیازهای روانشناختی، دو نیاز "ابراز وجود" و "احراز وجود" را مورد تأکید قرار داده و تلاش دارد تا با روش «تئوری برخاسته از زمینه»، به شناسایی معیارهای خانه‌های سنتی یزد در پاسخگویی به این نیازها بپردازد. نتیجه حاصل نشان می‌دهد، تأثیری که عناصر هویت‌ساز معماری ایرانی - اسلامی در غالب خانه‌های سنتی در بافت‌های تاریخی بر جهانی‌شدن شهر یزد می‌گذارد، در جستجوی هستی‌شناسی و شناخت‌شناسی در هویت و فرهنگ شهر است.

اهداف پژوهش:

۱. تبیین و بررسی مؤلفه‌های هویت‌دهنده به معماری سنتی شهر یزد و جستجوی عناصر مؤثر آن در جهانی‌شدن آن.

۲. ارائه راهکاری برای زدودن بحران‌های ایجاد شده در معماری خانه‌های معاصر شهر یزد.

سؤالات پژوهش:

۱. طرحواره‌های معماری سنتی شهر یزد چه نقشی در ماهیت این شهر و ثبت میراث فرهنگی جهان دارند؟

۲. چگونه می‌توان با استناد به طرحواره‌های معماری سنتی یزد بحران هویتی - فرهنگی ایجاد شده در خانه‌های معاصر این شهر را در ردایی مدرن برطرف نمود؟

اطلاعات مقاله

مقاله پژوهشی

شماره 45

دوره 19

صفحه ** الی **

تاریخ ارسال مقاله: ۱۴۰۰/۰۸/۲۶

تاریخ داوری: ۱۴۰۰/۱۰/۱۵

تاریخ صدور پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۱۸

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۳/۰۱

کلمات کلیدی

معماری سنتی،

هویت،

معناشناسی،

خانه ملک‌زاده،

نگاره.

ارجاع به این مقاله

توفیق، مریم، فروزانفر، جلال. (۱۴۰۱).

معناشناسی ماهیت نگاره‌های معماری

سنتی و تأثیر هویتی آن در جهانی‌شدن

شهر یزد (مورد مطالعاتی: خانه

ملک‌زاده). هنر اسلامی، ۱۹ (۴۵)،



[dori.net/dor/20.1001.1.*](https://doi.org/10.22034/IAS)



[dx.doi.org/10.22034/IAS](https://doi.org/10.22034/IAS)

مقدمه

جامعه‌شناسان و به‌ویژه انسان‌شناسان همواره بر این نکته تأکید می‌کنند که مکان‌ها، مناطق و سرزمین‌ها برای مردم اهمیت بسیاری دارند؛ زیرا از توانایی هویت‌سازی بالایی برخوردار بوده و عناصر و اجزای اصلی هویت را تأمین می‌کند. مطالعات دربارهٔ عرصه‌ها، پدیده‌ها و عناصر شهری گذشته، همواره برای هویت‌بخشیدن به ساختار شهرهای کنونی لازم بوده و نشانه‌های همدلی با شهرسازی و معماری گذشته است. این درحالیست که در جوامع سنتی برخلاف جوامع مدرن، بحران هویت وجود نداشته و درواقع در این جوامع، فضا کاملاً وابسته به مکان بوده و از این‌رو، با مکان انطباق دارد و با علائم و نشانه‌های مکان پر می‌شود. گیدنز در این رابطه، به‌زیبایی عنوان می‌کند که: «در چنین جوامعی فضا از مکان جدا نبوده و زمان و فضا در بستر مکان به یکدیگر پیوند می‌خورد» (حجازی و افلاطونیان، ۱۳۹۴: ۱۶۹). شهرسازی معاصر ایران در تعامل بین باور سنتی و دیدگاه وارداتی قرار داشته و این بی‌هویتی در معماری، خود را بیشتر نمایان می‌سازد. لذا هویت و شخصیت شهر زمانی معنا می‌یابد که شاخص‌های خاص شهر نمود یابند. شاخص‌هایی که ریشه در مکان و زمان داشته و با سنت، عقاید، کالبد و به‌طور کلی دانش و فرهنگ جامعه پیوند خورده باشند (مؤمنی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۵). این درحالیست که عناصر و پدیده‌های موجود در فضای پویای ایرانی و کنش متقابل که جز با حضور انسان بروز نمی‌یافت، تنها با استدلال، خردانگاری و پرتوهای نور در زمان حال میسر نبوده و درک صحیح اعتماد به زمینهٔ تاریخی وظیفهٔ وجودی سنت را در سرلوحه کار دارد. سنتی که قبل از بودن انسان جاری بود، نمی‌توانست مستقل از فضا عمل کرده و فضایی که متعلق به زمان دیگری است، تفسیر به ذات آن در زمان حال میسر نمی‌شد. چراکه ارتباط فضا و زمان که انسان سازنده هر دوی آن‌ها است با متغیر انسان تغییر می‌یابد و رسیدن به الگوی ساماندهی فضایی در هر دوره زمانی منوط به همان دوره بوده و تعریف آن در پیش یا پس تغییر می‌کند.

در شهری تاریخی مانند یزد درک عناصر و پدیده‌ها و حس وحدت بدون حضور تکنولوژی و تفسیر در تطبیق با سنت باعث جاری شدن معرفت می‌شود و ایجاد الگوی مناسب، در تلفیق دانش و هنر در دورهٔ پس‌اساختارگرایی باعث هویت‌مندی فضاها می‌شود، لازمهٔ ایجاد این الگو و تبعیت از آن برای جلوگیری از گنگ‌بودن گذشته، فضای معنوی ایرانی برای آیندگان است. محقق در این پژوهش با مطالعهٔ رابطهٔ عناصر هویت‌ساز میان انسان و مکان از زاویهٔ تبیین ماهیت طرحواره‌های معماری سنتی، ابتدا به بررسی نسبت و روند شکل‌گیری این رابطه در طی زمان می‌پردازد و سپس چگونگی استفاده از این رابطه در فرآیند جهانی‌شدن شهر یزد را کنکاش می‌کند. لازم به ذکر است، در این‌جا، معناکاوی ماهیت طرحواره‌های معماری سنتی شهر یزد در نقش "متغیر مستقل" عمل کرده و به‌عنوان علت بر سایر متغیرهای موجود اثرگذار است؛ همچنین است تأثیر هویتی آن در جهان‌شدن این شهر که نقش "متغیر وابسته" را در این پژوهش داراست و در ردای معلول از متغیر مستقل تأثیر مستقیم می‌گیرد. بنابراین پرسش اساسی این تحقیق را می‌توان بر این اساس استوار نمود: چگونه طرحواره‌های معماری سنتی شهر یزد توانستند بر ماهیت این شهر اثر گذاشته و این شهر را به ثبت میراث فرهنگی جهان برسانند؟

به عبارت دیگر، فرضیه مستند در پژوهش پیش رو بر این پایه استوار شده است:

به نظر می‌رسد، طرحواره‌های به کار گرفته شده در معماری سنتی و بومی یزد، بر ماهیت این شهر جهت ثبت در میراث فرهنگی جهان تأثیر مستقیم گذاشته‌اند.

بررسی پیشینه پژوهش حاکی از این است که تاکنون اثر مستقلی با این عنوان به رشته تحریر درنیامده است. پژوهش پیش رو براساس نوع داده تحقیقی کیفی بوده و به صورت پیمایشی و اسنادی اطلاعات آن گردآوری گردیده است. لذا در این پژوهش به صورت توصیفی - تحلیلی به بررسی مقوله هویت در شهر یزد پرداخته شد و خانه ملک‌زاده به عنوان نمونه موردی از لحاظ مؤلفه‌های هویتی به‌ویژه هویت کالبدی آن در قالب یکی از بناهای تاریخی در یک شهر قدیمی ایرانی مورد بررسی قرار گرفته است و بدین‌سان مقوله «هویت» و تأثیر آن در جهانی‌شدن سیمای یک شهر مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

۱. هویت

مقوله‌ای به نام «هویت» سابقه‌ای به بلندای تاریخ دارد. مفهوم هویت از مباحث مهم در عرصه اجتماعی و سیاسی به‌شمار می‌رود و برای همگان محسوس و معلوم است. زیرا به تعبیر «اریک اریکسون»^۱، هرچه بیشتر به این موضوع پرداخته می‌شود و در این باره مطلب نگاشته می‌شود، نامفهوم‌تر و دشوارتر می‌شود. هویت یک فرآیند است نه یک چیز «دریافت‌شدنی» و شاید بتوان آن را به ردپایی تشبیه نمود که تمدن در طول حرکت در تاریخ از خود به جای می‌گذارد؛ این ردا همان فرهنگ یا هویت آن تمدن می‌باشد. دوم اینکه هویت به سبب فرآیند بودنش نمی‌تواند مصنوع باشد. در واقع هویت یا در مواجهه با آن چه که تصور می‌کنیم مشکلات واقعی مان می‌باشد، شکل می‌گیرد. به‌طور مثال: اروپایی‌ها پیشگامان انقلاب صنعتی بودند بدون آن که نگران هویت خود باشند. این کشورها به دلیل کوشش‌هایشان در این زمینه، ثروت زیادی اندوخته‌اند اما همچنان فرانسوی، انگلیسی یا آلمانی باقی مانده‌اند.

سوم اینکه هویت، امری خودآگاه نیست. به‌طور مثال؛ شاید بتوانیم درباره منطقه فرانسوی بودن سخن بگوییم اما مردم فرانسه سعی ندارند این منطق را به دست آورند بلکه صرفاً تلاش می‌کنند معقول و منطقی باشند. ما با ادراک خود و محیط اطرافمان است که هویت خود را پیدا می‌کنیم. تلاشی برای میان‌بر زدن و کوتاهی کردن این فرآیند فهم یا ساختن و جعل هویت، به زبان همه ما خواهد بود. درواقع، این کار نوعی فریب، تقلب یا علامت‌دادن است که البته واکنشی مجعول است. اگر یک معمار پس از گردش دور دنیا به هند بازگردد و در آنجا بخواهد ساختمان شیشه‌ای نظیر آن چه که در نیویورک دیده بود را بسازد، تنها دست به انتقال علامت‌ها زده است. اما از طرفی، اگر همین فرد اصول معماری را اخذ کرده و آن را بر مجموعه کاملاً متفاوتی از مصالح، اقلیم، آداب و رسوم و سنت‌ها اعمال کند، ممکن است بنایی معاصر بسازد که سراپا از شیشه نباشد اما با محل مورد نظر، و در نتیجه با هویت، بسیار متناسب می‌باشد. از سویی، شرایط اقلیمی نیز در دو سطح متفاوت به تعیین فرم کمک می‌نماید. هم به عنوان یک عامل تعیین‌کننده مستقیم و

بلاواسطه و هم در سطحی عمیق‌تر به شکل‌گیری الگوهای فرهنگی، آداب و مناسک یاری می‌رساند و از آن‌جا که آب‌وهوا در این سطح عمیق‌تر، عامل تعیین‌کننده مهمی در مورد آداب و مناسک است، خواه‌ناخواه فرم ساخت را نیز تعیین می‌کند. بنابراین جستجو برای یافتن هویت می‌تواند ما را هم نسبت به محیط و هم نسبت به خودمان و جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنیم بسیار حساس‌تر نماید (Correa, 2000 : p. 112). هویت امری صلب نیست بلکه در طول زمان با انسان و باورهای وی متولد می‌شود. هویت و تشخیص اگر در خود محبوس شود، نابود می‌گردد. پس باید با انسان متحول شود. بنابر این تعریف، هویت دارای مختصاتی است که همانند رشته‌ای ما را به اصل و ریشه‌های ذاتی و گذشته خود وصل می‌نماید، ولی زمانه طبق نیازهای روز، بلورهای اطراف آن رشته شکل می‌دهد که مشترکات ما با معماری جهانی را شامل می‌شود (کوهی‌فرد، ۱۳۹۷: ۱۲). پس در تعریفی واحد: هویت پدیده‌ای است که در بستر تاریخی یک جامعه شکل گرفته و با گذر زمان این حس در فرد درونی شده و رفتار را هدایت کرده و نهایتاً جامعه را یکپارچه می‌سازد. این وحدت رفتاری شکل گرفته در سطح جامعه، کالبدی را جستجو می‌کند تا نیازهای فرد و جامعه را برطرف سازد (موحد و همکاران، ۱۳۹۱: ۴۰).

بررسی معانی ذکر شده برای این واژه، معرف چند ویژگی و مفهوم اصلی تمایز، تشابه، فعل شناسایی و تداوم می‌باشد. ویژگی دیگر این واژه را می‌توان در وجود تقابل‌های دوتایی ذکر کرد که بیانگر وجوه متضاد این مفهوم بوده و از آن جمله می‌توان به "هویت فردی در مقابل هویت جمعی"، "هویت انتسابی در برابر هویت اکتسابی" و "هویت درونی در برابر هویت بیرونی" اشاره کرد (سلیمانی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۷).

۲. ساختار هویت

هویت، خواه خودآگاه باشد و خواه ناخودآگاه، علاوه بر بخش کالبدی دارای باطن و محتوایی می‌باشد که در فراگیرترین حالت، در شش رده براساس میزان اصالت آن‌ها در کمال ذاتی انسان اعتباری و یا تغییرپذیری آن‌ها تعریف می‌شد:

(۱) عوامل بیرونی هویت: طبیعت، نژاد، زمان، تاریخ، تمدن؛

(۲) عوامل درونی هویت: فرهنگ سنت، دین (فیض‌آبادی و شیر رفیع اردکانی، ۱۳۹۴: ۲).

مهم‌ترین ویژگی در تبدیل محیط به هویت، "مکان" بوده و کیفیت محیط، زمانی معنا می‌یابد که هویت و ریشه داشته باشد. "کورپلا"^۲ در این باره می‌نویسد: هر مکان کالبدی مصنوع یا طبیعی برای شناخت خود در طول زمان در "محیط یا حس خود فرد" تحقق یافته و تعریف می‌شود (Korpela, 1999 : p. 321). "رابرت ونتوری" عقیده دارد: ماهیت یک خانواده ساختمانی که به یک مکان شکل می‌دهند، از بن‌مایه‌های ویژه‌ای انسجام‌یافته نظیر پنجره‌ها، درها، بام‌ها و معماری را مانند دیواری میان داخل و خارج می‌داند (Ventury, 2001: pp. 40-43). "الکساندر" ماهیت یک مکان را برآمده از اتفاقاتی می‌داند که در آن مکان رخ می‌دهد و علاوه بر آن روح و سرزندگی هر مکان و تجربه‌های ما در آن مکان را نه تنها وابسته به محیط کالبدی دانسته بلکه وابسته به رخدادهایی نیز می‌داند که ما با آن‌ها مواجه می‌شوی (Alexander 1990: p. 33).

۳. معماری به مثابه هویت اجتماعی فرد

این دسته از دیدگاه‌ها که معماری را به عنوان بخشی از هویت و شخصیت فرد در نظر می‌گیرند، دارای پایه روان‌شناسی بوده و توسط اغلب نظریه‌پردازان مورد توجه قرار گرفته است. در این دیدگاه، معماری به عنوان یکی از عناصر سازنده و حافظ هویت فرد در سطح جامعه به حساب می‌آید که نقشی اساسی در برقراری روابط اجتماعی و آرامش روانی فرد بر عهده خواهد داشت. بنابراین معماری نقشی مشابه نوع خودرو، ظاهر افراد، شیوه لباس پوشیدن و نحوه رفتار آن‌ها در موقعیت‌های مختلف برعهده داشته و مانند عنصری نمادین یا نقابی روی چهره فرد عمل می‌کند. مطابق این دیدگاه، ذهن فرد، درون پوست‌های چندلایه از مؤلفه‌های گوناگون قرار گرفته که هویت و شخصیت او را شکل داده و توسط آن‌ها محافظت می‌شود. این مؤلفه‌های هویت‌ساز از جسم فرد به عنوان نخستین لایه آغاز شده و با پدیده‌هایی چون نوع پوشش، خانه، ماشین، محله، شهر و کشور تکمیل می‌شود. این نگرش به تعبیری دیگر بیانگر لایه‌های درونی و بیرونی شخصیت فرد و یا عرصه‌های خصوصی و عمومی زندگی او می‌باشد (لنگ، ۱۳۹۰: ۲۳).

۴. هویت و ارزش‌های تاریخی

هر کالبدی از نظم فیزیکی، نظم بصری، آسایش فیزیکی و تعادل برخوردار است (Bahreini et al, 2012: p . 70). از این‌رو، هویت کالبدی به معنای صفات و خصوصیات است که جسم شهر را از غیر متمایز و شباهتش را با خودی آشکار می‌کند (Mirmoghtadaei, 2015: p . 78). هویت کالبدی در هر دوره را ویژگی‌ها و امتیازات آن دوره نسبت به دوره پیش مشخص می‌سازد. در این راستا، وقتی سخن از هویت شهری می‌شود، تمایز بافت تاریخی با ارزش کالبدی و فرهنگی نهفته در خود، بهترین نشانه هویت شهری است. بنابراین در هویت‌دادن به شهرها، بافت تاریخی نقش مؤثری را ایفا می‌کند و درعین حال، حیات و رشد این بافت مانع از بی‌هویتی و فرسودگی شهر از درون شده و توسعه بی‌رویه آن را محدود می‌کند. از عناصر قابل توجهی که می‌تواند به شهر هویت ببخشد، هنر است. هنر، بحث زیبایی‌شناسی در شهر است. معماری شهری نیز با آثار هنری که در آن به وجود می‌آید شکل می‌پذیرد. ناحیه تاریخی شهرها، میراث ارزشمند معماری و کالبدی به جا مانده از گذشتگان ماست که در طول زمان در هویت بخشی به حیات شهری همواره نقش بارزی ایفا نموده است (شریفی‌القلندیس و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۵).

جدول ۱: مروری بر ساختار و مؤلفه‌های مؤثر بر شکل‌گیری هویت در معماری و شهرسازی ایران

توضیحات		کلیت
- هویت، انسان و باورهای او - هویت و مکان - هویت و زمان		مؤلفه‌های مؤثر در شکل‌گیری هویت
- طبیعت، نژاد، زبان، تاریخ و تمدن	- عوامل بیرونی	ساختار هویت
- فرهنگ، سنت، دین	- عوامل درونی	

نقش مکان و فضا در شکل‌گیری هویت	مکان و فضا دو عنصر با اهمیت در شکل‌گیری هویت به‌شمار می‌آیند.	تامین انسجام و همبستگی اجتماعی که احساس تعلق به جمع را امکان‌پذیر می‌سازد.
هویت از دیدگاه معماری و شهرسازی	- ایجاد خاطره و تداعی در شخص - تمایز و استقلال از شخص	عناصر هویت ساز شهر شامل: "فضا، زمان، مکان و معنا" می‌باشد.
ابعاد و مؤلفه‌های هویت‌ساز در معماری و شهرسازی	بعد معنایی	وجودی و اکتسابی
	کالبدی	مصنوع و طبیعی
	محتوایی	انسانی و محیطی
ماهیت اثر یا هویت معماری	معماری همیشه و در همه حال با زمان همراه و هم‌قدم است و این زمان است که بر اساس ماهیت خود فرهنگ‌ها، سنن و الگوهای رفتاری را دگرگون می‌سازد.	- هویت به انسان قدرت تشخیص و انتخاب در شرایط مختلف را می‌دهد. - هویت شکلی از محیط است که در شرایط مختلف قابل تغییر نیست.
مؤلفه‌های مؤثر در جلوگیری از بی‌هویتی اثر معماری	زیبایی؛ دانش؛ اصالت طرح؛ جوهر طرح	
پایداری و ناپایداری هویت در معماری	هویت پایدار هویت ناپایدار	اندیشه سازمان یافته همگانی (حکمت نظری) کردار سازمان یافته همگانی (حکمت عملی) سازگاری و هماهنگی میان اندیشه و کردار (نظر و عمل) تعاریف روشن نیست. (فقدان حکمت نظری) ارزش‌های گم شده و نامفهوم (فقدان حکمت عملی) نیازی به ارتباط میان آن‌ها و ریشه‌یابی نمی‌باشد. (فقدان نظر و عمل)
لایه‌های تشکیل‌دهنده هویت در معماری ایران	لایه سازه‌ای؛ لایه محیطی؛ لایه کارکردی؛ لایه زیباشناسانه؛ لایه فرهنگی - آیینی؛ لایه نمادپردازی	
بازتاب هویت در معماری معاصر ایران	از دهه چهل و پنجاه سه شیوه معماری در ایران معاصر رواج یافت	- ترکیب کاملاً اروپایی و پیرو مدرنیسم اصیل - ترکیب نوستالژیک و خاطره برانگیز - نگاه انتخاب‌گر و عقلانی به گذشته

(ماخذ: نگارنده، ۱۳۹۹)

۴. معناشناسی هویت در تاریخ معماری شهر یزد

آن‌طور که یونسکو می‌گوید: شهر قدیمی یزد در اصل یکی از قدیمی‌ترین شهرها بر روی کره زمین است. تقریباً همه‌چیز در بافت قدیم آن از جنس آجرهای خشتی است که در آفتاب خشک شده‌اند و حاصل این معماری منحصربه‌فرد خط افقی است که در ذیل آن بناهای قهوه‌ای خوش‌رنگ به‌انضمام بادگیرهای مرتفع که یکنواختی را برهم زده و منظر پیش



شکل ۱: آتشکده زرتشتیان یزد (مأخذ: نگارنده، ۱۳۹۹)

* اینجا خاستگاه بزرگ‌ترین جامعه زرتشتیان در ایران است. ترکیب یک شهر بیابانی کهن و یک میراث حاصل از همنشینی ادیان مختلف، جو بسیار متفاوت و البته آرامی را به یزد بخشیده است.



شکل ۲: نمایی از بام‌های زیبای بافت تاریخی شهر یزد، بزرگ‌ترین میراث خشتی جهان (مأخذ: نگارنده، ۱۳۹۹)

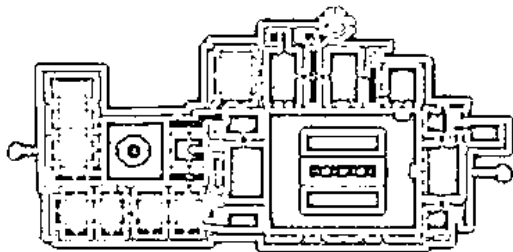


نقشه ۱: پهنه متعلق به بافت تاریخی در شهر یزد که با خط قرمز از شهر متمایز شده (مأخذ: [www. Googleearth.com](http://www.Googleearth.com))

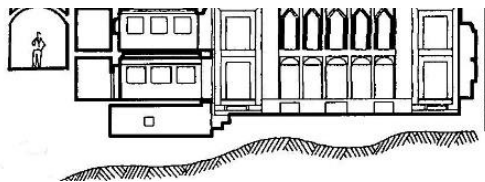
رو را چشم‌نوازتر می‌کنند، دیده می‌شود. درعین حال، یزد به واسطه بادگیرهایش هم شهرت دارد. بادگیرها عمارت‌هایی مرتفع هستند که برای به‌دام‌انداختن باد، سیرکولاسیون و خنک‌کردن هوا در این منطقه کویری بنا شده‌اند.

از آنجاکه یکی از شیوه‌های بررسی هویت جامعه، توجه به عناصر فضایی و ارتباط آن با فرهنگ آن جامعه است، برای شناسایی هویت جامعه سنتی ایرانی بررسی عناصر هویت‌ساز در معماری سنتی ایران شیوه مناسبی به نظر می‌رسد. شهر تاریخی یزد پس از موافقت کمیته میراث جهانی یونسکو، عنوان بیست و دومین میراث جهانی کشور را به خود اختصاص داد. در این جلسه که در کراکوف لهستان برگزار شد، تأیید شد که از مجموع ۲۲۷۰ هکتار حدود ۲۰۰ هکتار بافت قدیمی می‌بایست در فهرست میراث جهانی به ثبت برسد. این شهر هم‌اکنون تنها شهر مسکونی ایران است که توانسته این عنوان را به خود اختصاص دهد. در عین حال، نباید فراموش کرد که شهر یزد بزرگ‌ترین شهر خشتی مسکونی در دنیا نیز می‌باشد. در سایت رسمی یونسکو آمده است که این شهر به تصدیق کارشناسان، به‌خوبی استفاده از منابع محدود برای بقا در قلب کویر را نشان می‌دهد. سیستم قناتی، مساجد، حمام‌ها، بازارها، خانه‌های سنتی، معابد زرتشتیان، باغ‌های قدیمی و بافت سنتی این شهر نمایانگر تنها واقعیت کویر یعنی غلبه بر منابع محدود می‌باشند. پس از ثبت جهانی یزد، "فرهاد نظری" مدیر دفتر بافت‌های تاریخی در گفت‌وگو با روزنامه ایران، مهم‌ترین نتیجه این ثبت را اثبات ارزش‌های این

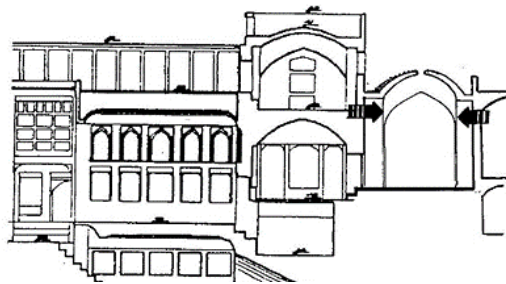
شهر فراملی دانسته و اذعان می‌دارد: «این ثبت، بیان‌گر آن است که یزد تنها متعلق به یزدی‌ها یا ایرانی‌ها نیست؛ بلکه میراثی است متعلق به نوع بشر.»



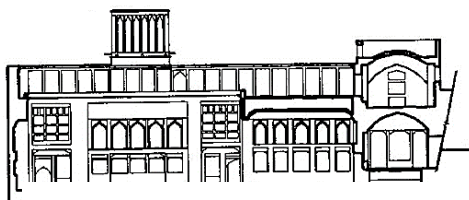
پلان ۱: پلان خانه ملک‌زاده یزد متعلق به دوره قاجار
(مأخذ: سازمان میراث فرهنگی استان یزد، ۱۳۹۹)



پلان ۲: نحوه استقرار بنا روی خاک جلو
(مأخذ: نگارنده، ۱۳۹۹)



پلان ۳: نحوه استقرار بنا روی خاک چلو و سباط‌ها
(مأخذ: نگارنده، ۱۳۹۹)



پلان ۴: نقش سباط در انتقال نیروهای جانبی دو طرف
معبّر به یکدیگر (مأخذ: نگارنده، ۱۳۹۹)

در این راستا، پژوهش حاضر، خانه ملک‌زاده را از لحاظ برخورداری از طرحواره‌های معماری سنتی ایرانی مورد ارزیابی قرار داده تا بتواند از این رهگذر علل جهانی‌شدن شهر یزد را مورد تبیین و کنکاش قرار دهد.

۶. بررسی نمونه مورد مطالعه: خانه ملک‌زاده در بافت

جهانی یزد و عناصر هویت‌ساز آن

خانه ملک‌زاده مربوط به دوره قاجار است و در یزد، محله فهادان، نزدیک مسجد چهل‌محراب واقع شده؛ بانی آن را "حاج محمد صادق عرب" می‌دانند و قدمت آن را حدود ۱۵۰ تا ۱۶۰ سال تخمین می‌زنند. این اثر در تاریخ ۱۳۷۹/۱۰/۲۸ با شماره ثبت ۲۹۵۰ به‌عنوان یکی از آثار ملی ایران به ثبت رسیده است.

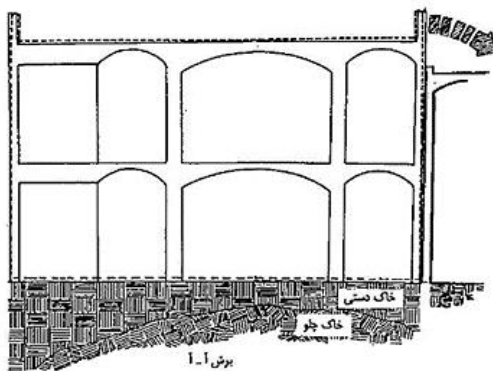
۶.۱. بررسی پلان خانه ملک‌زاده

این خانه، مجموعه مفصلی است که در امتداد شمال غربی - جنوب شرقی گسترش یافته و یک ورودی دارد که در ضلع غربی ساختمان قرار گرفته؛ ورودی از خشت و گل است. پس از عبور از یک هشتی کوچک که سقف آن با گچ، کاربندی شده و راهرویی کم عرض، به حیاط می‌رسد. هشتی خانه با قاعده هشت ضلعی ساخته شده و خانه از سمت شمال، جنوب و غرب دارای ساختمان و در ضلع شرقی جهت هماهنگی با سه بدنه دیگر دارای طاق و طاقچه نماهایی می‌باشد. تالار خانه در سمت جنوب، بادگیر نه‌چندان بلندی را در خود جای داده و در ضلع شمالی خانه یک پنج‌دری با گچ‌کاری و آیینه‌کاری در سقف و بدنه و در ضلع شرقی سه عدد سه دری دیده می‌شود. در طرفین پنج دری، ضلع شمالی و نیز در طرفین تالار ضلع جنوبی، بالاخانه‌هایی وجود دارد. در سه طرف ساختمان نیز زیرزمین ساخته شده است. در

ضلع جنوبی حیاط اصلی و پشت تالارخانه، یک حیاط کوچک بیرونی یا نارنجستان قرار گرفته؛ ارتباط حیاط اصلی با حیاط کوچک از طریق راهروهایی است که در طرفین تالار ساخته شده است. نماسازی حیاط اندرونی سیم گل و نماسازی حیاط بیرونی کاهگل است.

۶.۲. نحوه استقرار بنا در بستر خود

بستر طبیعی محل استقرار خانه ملک‌زاده و خانه‌های اطراف، دارای شیب‌های ملایم اما متنوع و غیر یکنواخت است. علاوه بر لایه خاک معمولی که با ضخامت‌های متفاوت خارجی‌ترین سطح زمین را پوشانده است، لایه بسیار سفت (چلو) نقش مؤثری در شکل‌گیری نحوه استقرار دارد. با این حال، خانه ملک‌زاده و اغلب خانه‌های اطراف رنج کندن زمین را



پلان ۵: ضعف دیوار همسایه در مقابله با رانش سقف خانه

ملک‌زاده (مأخذ: نگارنده، ۱۳۹۹)

تقبل کرده و بدنه و سقف‌ها در بعضی از فضاهای زیرین با استفاده از مقاومت بالای خاک طبیعی به شکل خاک کنده شده به کار رفته است. پستوهای اتاق‌های ضلع غربی و اتاقک واقع در منتهی‌الیه شمالی همین ضلع [راهرو جنب اتاق آئینه] زیر معبر عمومی استقرار یافته و در جبهه دیگر این خانه که در جوار معبر قرار گرفته است با حضور ساباط وضعیتی متفاوت را مشاهده می‌کنیم. در اینجا ساباط‌ها انتقال‌دهنده نیروهای جانبی موجود در بنای خانه هستند، تقابل این نیروهای مخالف جهت هم، مقدار زیادی از نیروهای افقی را خنثی می‌کند.

۶.۳. همجواری و ایستایی

یکی از نکات مهم که می‌توان در بحث همجواری و ایستایی به آن اشاره کرد، نحوه انسجام و همکاری دانه‌های متفاوت بافت در تأمین ایستایی است. استفاده از مصالحی که در برابر فشار مقاومت می‌کنند - مانند خشت و آجر - سیستم سازه‌ای بناهای موجود را عموماً به طرف سازه‌های گنبدی سوق داده و ضعف چنین سازه‌هایی در برابر تحمل رانش‌های جانبی [به لحاظ فقدان خاصیت کششی مناسب در آن‌ها] مسئله‌ای همیشگی و درخور توجه و معضل‌آفرین بوده است. تدابیری که معماران و مهندسان از گذشته دور در جهت رفع نقیصه فوق برای طاق و گنبد اندیشیده‌اند، نتایج و جلوه‌هایی زیبا و هنرمندانه به بار آورده که در جایگاه خود موضوعی جذاب و قابل بررسی بوده است

گویا روح همیاری و یکپارچگی که در بافت اجتماعی روزگاران گذشته در اندام بافت کالبدی جاری است؛ همان‌طور که امروزه بناها سعی در جداکردن خود از سایرین و بی‌نیاز بودن هرچه بیشتر از بافت اطراف (حداقل از نظر استاتیکی) دارند، خانه ملک‌زاده نیز از این بُعد، حالت خاصی نسبت به بناهای دیگر نداشته و ضعف نسبی در توجه به موضوع انتقال نیروها از واحد همجوار [خانه محمودی (افشین محمودی)] به چشم می‌خورد؛ چراکه جبهه شرقی گوشواره اتاق

آئینه که به جداره‌ای از گوشه حیاط خانه محمودی منتهی می‌گردد، مسلماً قادر نیست به شکل مناسبی در برابر نیروهای رانشی که توسط سقف خانه ملک‌زاده اعمال می‌شود، مقاومت نماید.

۶.۴. نگاره‌های به‌کار گرفته شده در خانه ملک‌زاده



در این بخش از پژوهش که درواقع نقطه عطف تحقیق و تبیین در ارتباط با خانه ملک‌زاده است، محقق تلاش دارد تا عملکرد این مجموعه مسکونی را - به‌عنوان نمونه‌ای از خانه‌های سنتی واقع

در بافت تاریخی شهر یزد - در برابر مشکلات اقلیمی و مسائل آب و هوایی کنکاش کند. وی از این مؤلفه‌ها با عنوان طرحواره‌های موجود در خانه ملک‌زاده یاد کرده و چون این عناصر در بازکردن و روشن کردن ظاهر

منطقه چنین خانه‌هایی بسیار با اهمیت جلوه می‌کرد؛ لاجرم تجزیه و

تحلیل نحوه زندگی و کاری که در چنین خانه‌هایی جریان داشته، در کنار چگونگی ارتباط با طبیعت، در رابطه با

مؤلفه‌های اجتماعی، اقتصادی خانوار در شهرهایی که روابط بسته محله‌ای و خویشاوندی داشته‌اند، به‌شکلی پیوسته مورد بررسی قرار خواهد گرفت.



شکل ۶: ورودی خانه ملک‌زاده
(ماخذ: نگارنده، ۱۳۹۹)

الف) نگاره اقلیم

رون: رون این خانه "رون راسته" است. این رون در راستای شمال شرقی - جنوب غربی بوده که نزدیک به راستای قبله می‌باشد. برای در امان بودن از آفتاب داغ تابستان، به‌خصوص فرار از بعدازظهرهای گرم کویر، قسمت تابستان‌نشین و آفتاب کور خانه پشت به قبله یعنی تقریباً پشت به جنوب غرب ساخته شده که در اصطلاح محلی "نسار" می‌نامندش! نسار سایه می‌گیرد و خنک است. طرف مقابل که رو به قبله است نیز برای بهره‌گرفتن از آفتاب زمستان کاربرد دارد.

حیاط: به علت تنگی و بلندی دیوار اطاق‌ها، چهار طرف حیاط گود است و در ساعات گرم روزهای تابستان سایه می‌گیرد. از طرفی شب‌ها که هوا خنک است، حیاط گود سردی هوا را گرفته و به‌اصطلاح، هوای سرد در حیاط پایین می‌نشیند و تا ساعاتی از روز که هنوز آفتاب کاملاً بالا نیامده، هوای حیاط خنک است.

سرداب: سرداب در زیر تالار و قسمت تابستان نشین (نثار) قرار دارد. سردی این قسمت آنچنان است که غیر از ساعات گرم بعد از ظهر تابستان، انسان در آن سردش می‌شود.



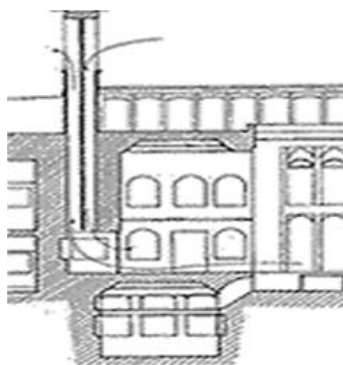
شکل ۳: حیاط مرکزی خانه ملک‌زاده.

بادگیر: بادگیر این خانه، بزرگ نیست و مستطیل شکل بوده و در پشت تالار قرار گرفته است. روش کار این بادگیر بر این پایه استوار است که از وزش باد برای کشاندن هوای خوش به درون تالار و از واکنش نیروی آن یعنی مکش، برای راندن هوای گرم و آلوده بهره می‌برد.

خرک‌پوش: بالای درگاه‌های خانه ملک‌زاده با خرک‌پوش پوشیده شده است. خرک‌پوش همچون یک طاقچه کوچک با دو پوشش اریب (مانند پشت خر) عمل می‌کند و با گچبری‌های زیبا آذین شده می‌شود.^۳

(ب) نگاره حریم

ورودی: خانه ملک‌زاده در بافت شهری پیوسته، متراکم و درون‌گرا یز، فضایی خصوصی برای زندگی خانوادگی بوده که اصل محرمیت در طراحی و احداث آن رعایت شده تا افراد خانواده از دید اشخاص نامحرم محفوظ باشند. چنانچه از همان در ورودی با گذاشتن کوبه چکش، مخصوص مرد با صدای بم و کوبه حلقه، مخصوص زن با صدای زیر حریم‌ها مشخص می‌شود که خود این جنسیت‌زدایی در معماری نوعی حجاب‌گذاری یا فاصله‌گذاری محسوب می‌شود.



پلان ۶: حیاط مرکزی خانه ملک‌زاده (مأخذ: نگارنده، ۱۳۹۹)

هشتی: فضای ورودی این خانه به پیروی از اهداف مذهبی و اجتماعی به‌صورتی طراحی شده که افراد به‌صورت ناگهانی و یک‌مرتبه وارد فضای خانه نشوند و سلسله‌مراتبی بوده؛ همچنین از فضای ورودی - از درگاه یا هشتی ورودی - به فضاهای داخلی خانه، دید مستقیم وجود نداشته باشد بلکه با ایجاد مکشی روانی، هر که از خانه بیرون می‌شد را آماده ورود به عرصه جامعه می‌کرد و آنکه وارد می‌شد را آماده ورود به عرصه خانه. تا گواه و شاهدی باشد بر دو فضای متفاوت بیرون و اندرون و اینکه این دو فضای متفاوت رفتار و منشی متفاوت را طلب می‌کند.



شکل ۵: خرک‌پوش‌های خانه ملک‌زاده (مأخذ: نگارنده، ۱۳۹۹)

اندرونی: فضای ورودی این خانه به پیروی از اهداف مذهبی و اجتماعی به‌صورتی طراحی شده که افراد به‌صورت ناگهانی

و یک‌مرتبه وارد فضای خانه نشوند و سلسله‌مراتبی بوده و همچنین از فضای ورودی - از درگاه یا هشتی ورودی - به فضاهای داخلی خانه دید مستقیم وجود نداشته باشد. بلکه با ایجاد مکثی روانی، هر که از خانه بیرون می‌شد را آماده ورود به عرصه جامعه می‌کرد و آنکه وارد می‌شد را آماده ورود به عرصه خانه. تا گواه و شاهدهی باشد بر دو فضای متفاوت بیرون و اندرون و اینکه این دو فضای متفاوت رفتار و منشی متفاوت را طلب می‌کند.



شکل ۸:

طرحواره عقد و ازدواج در خانه ملک‌زاده (مأخذ: نگارنده، ۱۳۹۹)



ج) نگاره بهشت

حیاط مرکزی: حیاط مرکزی، جهان‌صغیری مرکب از مکان است که با شش محور تعریف می‌شود (جهات اربعه + بال + پایین) و یک زمان‌نگار که تغییرات سماوی را نشان می‌دهد. حیاط مرکزی در ارتباط با بهره‌گیری محیطی، چهار صفه در جهات اربعه در اطراف خود، پدید می‌آورد که صفه شمالی یا زمستانی جایگاه خورشید و صفه جنوبی یا تابستانی جایگاه سایه است. حیاط مرکزی با اتکا به امکانات محدود، ساده و ارزان در بستر خود به‌وجود می‌آید و در این راه از فنون پیچیده ساخت، و حمل و نقل مصالح سنگین استفاده نمی‌شود.



شکل ۷: طرحواره مراسم مذهبی در خانه ملک‌زاده (مأخذ: نگارنده، ۱۳۹۹)

د) نگاره همزیستی فامیلی

سیستم پدرسالاری: در خانه‌هایی همچون خانه ملک‌زاده زندگی به‌صورت فامیلی و سیستم پدرسالاری حاکم بود؛ در خانه‌های پدرسالاری همه کسان و خویشان نزدیک در یک خانه زندگی می‌کردند. پدر، مادر، فرزندان، پدربزرگ، مادربزرگ، نوه‌ها، عروس‌ها همه در کنار هم بودند، دلیلی نداشتند که به جایی دیگر بروند. همه آن‌ها از یک آشپزخانه استفاده می‌کردند. اتاق نشیمنشان یکی بود. در هر بخش از خانه یک خانواده کوچک زندگی می‌کردند؛ مثل یک مجموعه آپارتمانی امروزی بوده و یک خانواده تنها اصلاً نمی‌توانسته در آن آسوده زندگی کند. ارتباط با جامعه: در خانه ملک‌زاده فضاهای اندرونی و بیرونی، وجود دارد که دارای این عملکرد بوده و فضاهای بیرونی درواقع حلقه اتصال خانه به جامعه محسوب می‌شود.

و) نگاره مراسم

مراسم مذهبی: پانزده روز اول محرم در حیاط اصلی این خانه‌پوش برپا می‌کردند و مراسم روضه‌خوانی در آن انجام می‌شد. وجود دستک‌های کنار حیاط برای اتصال پوش مطلب فوق را تأیید می‌کند. روز عید غدیر و پنج روز از محرم را غذا می‌دادند. در دو سوی تالار در اشکوب یا طبقه بالا دو گوشوار می‌بینیم که این اتاق‌ها در روزهایی که مراسم برپا بود زنان و دختران از این اتاق‌ها مراسم را دنبال می‌کردند.

عقد و ازدواج: آئینه‌کاری و نقاشی اتاق پنج دری به مناسبت ازدواج پدربزرگ خانم ملک‌زاده در مدت ۹ ماه انجام شده است.

مهمانی‌ها: اختصاص یک فضا برای مهمان، یکی از پاسخ‌ها به این رفتار بوده است. مثلاً شکل‌گیری حیاط بیرونی خانه ملک‌زاده به این ابعاد و زیبایی و قرارگیری مطبخ در جایی که بیشترین سرویس‌دهی را به مهمانان بدهد، مؤید این امر است.

ه) نگاره ارتباط با طبیعت

میانسرا یا حیاط: وجود حوض آب در حیاط و پوشش گیاهی، باغچه و درخت انار و انجیر، به‌نحوی مطلوب به کمک جریان هوای بادگیر در اثر تبخیر، رطوبت هوا را در داخل خانه بالا می‌برد و بر شرایط راحتی می‌افزاید. بیشتر اتاق‌ها به میانسرا باز می‌شود. آب باعث انعکاس تصویر بنا می‌شود؛ این نوعی قرینه‌سازی از واقعیت در مجاز است. حضور آب باعث تأکید بیش‌تر بر لطافت فضای حیاط و شفافیت می‌شود و حیاط را در مرتبه‌ای بالاتر از مفهوم فضای باز قرار می‌دهد.



شکل ۱۰: اتاق پنج‌دري خانه ملک‌زاده
(مأخذ: نگارنده، ۱۳۹۹)

ر) نگاره فعالیت‌های روزمره

اندرونی: اهالی خانه ملک‌زاده از هر بابت آسوده بوده‌اند. آن‌ها در اندرونی همه چیز را آماده می‌کردند و این بخش را بسیار دلنواز و خوشایند می‌ساختند تا در آن خستگی حس نکنند.

مطبخ: درباره محل مطبخ^۴ خانه ملک‌زاده، گفته شده که در تابستان‌ها از آشپزخانه کمتر استفاده می‌شد. در سراسر روز کمتر خوراک پختنی می‌خوردند؛ اما در زمستان آشپزخانه بیشتر کاربرد داشت. در این خانه، مطبخ در کنار بروار یا راهرو مابین حیاط اندرونی و بیرونی قرار دارد. البته چند دلیل برای قرارگیری مطبخ در این قسمت می‌توان مطرح کرد - محدودیت زمین در قسمت شمال و شمال غربی - چنانچه گفته شد خانه ملک‌زاده، خانه تاجر بوده و پر مهمان، شاید به همین دلیل آشپزخانه یا مطبخ در قسمت دسترس‌تر قرار گرفته است. معمولاً آشپزخانه یا مطبخ پنجره به بیرون نداشت و از آسمانه (سقف) نور می‌گرفت که این سوراخ یا نورگیر «هورنو» نامیده می‌شد. در گوشه‌ای از مطبخ تنور برای پخت نان بوده است. البته به دلیل مراسم‌های مذهبی در خانه ملک‌زاده جاهایی مخصوص برای دیگ‌های بزرگ وجود دارد.



شکل ۹: میانسرا خانه ملک‌زاده
(مأخذ: نگارنده، ۱۳۹۹)

اتاق‌ها: برای رسیدن به اتاق‌ها باید از میانسرا، راهروهای کنار اتاق‌ها را طی کرد تا به اتاق‌ها رسید؛ در پس اتاق‌های سه‌دري و پنج‌دري این بنا، اتاق‌های

بی‌روزن یا پستو قرار دارد. همه اتاق‌ها دارای تاقچه در بلندی که دست می‌رسید. رف، در بلندایی که تنها دست بزرگ‌ترها می‌رسیده بودند. رف به بالا تاقچه، یا تاقچه‌های بلند می‌گفتند.

ز) نگاره آسمان

هندسه: منحنی قوس‌ها، طاق‌ها، سقف‌های اتاق‌ها، رف‌ها و ... و خواص هندسی آن‌ها پیام‌هایی همچون صعود به بالا یا عروج، طبقات آسمانی و گنبد آسمانی را می‌تواند به همراه داشته باشد.

وحدت: تصویر آسمان در طاق‌های این بنای اسلامی، مضمون اساسی اسلام را که همانا وحدت است و همواره در همه‌جای آن دیده می‌شود بازگو می‌کنند. نقوش هندسی دو بُعدی و اجسام حجم‌گونه مانند کاربندی برای تداعی وحدت به کار رفته است.

روشنایی: تمامی خطوط و نقوش به یک نقطه ختم می‌شود و آن مرکز طاق و جایی که نور می‌تابد است.



شکل ۱۱: رعایت طرحواره آسمان در خانه
ملک‌زاده (مأخذ: نگارنده، ۱۳۹۹).

نتیجه‌گیری

هویت و ساماندهی بصری در نگاره‌خانه‌های بومی و سنتی یزد از ویژگی‌های بارز معماری ایران به حساب می‌آید. این ویژگی ریشه‌هایی عمیق در مبانی و اصول فرهنگی - اجتماعی این سرزمین برجای گذاشته و به عنوان یک اصل در معماری ایرانی پذیرفته شده است. برخی از تحلیل‌گران معماری ایرانی بر این باورند که شکل‌گیری این طرح‌واره‌ها در معماری صرفاً به دلایل اقلیمی خاص منطقه بوده است. اما اگر نیک بنگریم درمی‌یابیم که توجه به مسائل درونی و باطنی درون‌گرایی براساس فرهنگ، سبک زندگی، آداب و رسوم و جهان‌بینی خاصی که ایرانیان بر آن پایبند بوده‌اند، شکل گرفته و البته همراه با مسائل محیطی و جغرافیایی به تکامل رسیده است. به هر حال، ارزش‌نهادن به زندگی شخصی و حرمت‌نهادن به آن، خانه‌های ایرانی را در گذشته به دانه‌هایی درون‌گرا مبدل ساخته و حیات مرکزی را به

عنصری شاخص و نقطه عطف در معماری این خانه‌ها تبدیل کرده و درواقع، این عناصر، درون‌گرایی را به معنا و مفهومی پایدار در معماری ایرانی مبدل ساخته‌اند. اما آنچه در این تحقیق مهم می‌نمایند، با وجود آن که معماری بومی‌ساز در طی هزاران سال در سرتاسر این مرز و بوم وجود داشته و شکل گرفته، معماران سنتی ما با خلق نگاره‌های گوناگون، وجه مشترکی با هم داشته‌اند و این وجه مشترک، پیامی مشترک را برای همه به یکسان به‌همراه داشته است و آن نقش کلیدی "هویت معماری ایران" است که برای باززنده‌سازی مجدد فرهنگ معماری کشور نقش مهمی را ایفا خواهد کرد.

منابع

کتاب‌ها

کوهی‌فرد، الناز. (۱۳۹۷). هویت در معماری ایرانی. تهران: نگاه بوستان.
لنگ، ج. (۱۳۹۰). آفرینش نظریه معماری (نقش علوم رفتاری در طراحی محیط). ترجمه: علیرضا عینی‌فر، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

مقالات

آقاداتودی، محی‌الدین و زکریایی کرمانی، ایمان. (۱۳۹۶). «تحلیل مضامین و کارکردهای کتیبه‌های مدارس عصر صفویه اصفهان نمونه موردی: مسجد- مدرسه چهارباغ»، مطالعات هنر اسلامی، شماره ۲۶.
احمدی، غلامعلی؛ شمشیری، محمدرضا و رحمانی، جهانبخش. (۱۳۹۸). «فاعلیت خدا در نظام هستی از نگاه علامه طباطبایی و انعکاس آن در کتیبه‌های بناهای اسلامی»، دوفصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات هنر اسلامی، شماره ۳۶، بطیار، محبوبه و حسنی، غلامرضا. (۱۳۹۸). «خاستگاه شناختی، طبقه‌بندی و تحلیل نقش‌های شیرسر بناهای قاجاری گران»، مطالعات هنر اسلامی، شماره ۳۳.
سلیمانی، محمدرضا؛ اعتصام، ایرج و حبیب، فرح. (۱۳۹۵). «بازشناسی مفهوم و اصول هویت در اثر معماری. هویت شهر، شماره ۲۵، صص. ۲۶ - ۱۵.
شریفی‌القلندیس، بابک؛ مبصر سردودی، آرزو؛ علیخانی، مرتضی؛ طالب‌پور، منصور. (۱۳۹۶). "اهمیت نگهداری و احیاء بافت‌های تاریخی و تأثیر آن در گردشگری و توسعه پایدار شهری (نمونه موردی: شهر خامنه). پژوهش در هنر و علوم انسانی، شماره ۳ (پیاپی ۵)، صص. ۴۰ - ۲۳.
فیض‌آبادی، محمود؛ شیر رفیع اردکانی، مریم. (۱۳۹۴). «بیان هویت در معماری معاصر ایران با تأکید بر سازه‌گرایی». مجموعه مقالات دومین کنگره بین‌المللی افق‌های جدید در معماری و شهرسازی، تهران.
موحد، علی؛ شماعتی، علی و زنگانه، ابوالفضل. (۱۳۹۱). «بازشناسی هویت کالبدی در شهرهای اسلامی (مطالعه موردی: شهر ری)». برنامه‌ریزی منطقه‌ای (علمی - پژوهشی)، شماره ۵، صص. ۵۱ - ۳۷.

منابع لاتین

Alexander, C. (1990). The Timeless Way of Building. Oxford University Press, New York.
Anju Shirazi, A. (1970). Ferdowsi Nameh (People and Ferdowsi), Volumes 1 and 2, Second Edition, Tehran: Scientific Publications.
André-Salvini, B. (2005). Forgotten empire: the world of ancient Persia. University of California Press.

- Akhundi, Z., Afhami, R., & Pourmand, H. A. (2016). Comparative study of symbols and decorative motifs of Persepolis and Arboni Fortress, *Research in Arts and Humanities*, No. 11, pp. 75 – 8.
- Bonaiuto, M., & Fornara, Ferdinando, B. (2006). Perceived Residential Environment Quality in middle - And low - Extension Italian Cities. *Revue Européenne de Psychologie Appliquée*, 56 / *European Review of Applied Psychology*, 56. Pp. 23-34.
- Christian, A. (2014). Examples of the first man and the first prince in the history of Iranian mythology, translated by Jaleh Amoozgar and Ahmad Tafazli, Tehran: Cheshmeh Publications.
- Dadgi, F. (1990). *Bandehshan*, translated by Mehrdadbahar, Tehran: Toos.
- Eliadeh, M. (1997). *Treatise on the History of Religions*, (Jalal Sattari, Trans.). second edition, Tehran: Soroush.
- Hale, J. A. (2000). *Building Ideas: An Introduction to Architectural Theory*. John Wiley & Sons, Chichester, England.
- Hauge, A. (2007). Identity and place: a critical comparison of three identity theories. *Architectural Science Review*. 50 (1): pp. 44-51.
- Rose, J. (2019). Near Eastern and Old Iranian myths. In *Oxford Research Encyclopedia of Classics*.
- Silko, L. M. (2006). *Ceremony*. Penguin. Originally published: New York.
- Tavangarzamin, M. K. (2011). *Persepolis from the beginning to the end*, fourth edition, Shiraz: Persepolis.
- Tha'labi Neyshabouri, A., & bin M. ibn I. (1970). *History of Tha'labi (Gharr Akhbar Moluk Al-Fars and Sirham)*, Part 1: Ancient Iran, translated by Mohammad Fazaili, Tehran: Qatreh Publishing.
- Venturi, R. (2001). *Complexity and Contradiction in Architecture*. New York.